

آسیب‌شناسی دینی از نگاه قرآن

۱۳مهر / رسالت

دکتر حسن رضایی مهر

اشاره: یکی از مباحثی که امروزه جای خود را در عرصه‌های مختلف علوم و فنون و بلکه در جنبش‌های اجتماعی و نهضت‌های علمی و اندیشه‌ای باز کرده است، مسئله آسیب‌شناسی است و این امر بدان جهت است که امور یاد شده، از آسیبها و چالشهای فرارو در امان نیستند و همین امر ضرورت ارائه راهکارهای مناسب جهت مبارزه با آنها را مبرهن می‌سازد. هر چند اصطلاح "آسیب‌شناسی" متعلق به علم پزشکی بوده است، اما بعدها به علوم اجتماعی و سایر عرصه‌های علمی و حوزه معرفت دینی نیز کشانده شده است. آسیب‌شناسی دینی از نظرگاههای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد، از جمله آسیب‌شناسی دینی از دیدگاه قرآن که قبل از پرداختن به آن، توجه به دو نکته، ضروری است:

الف: آسیب‌شناسی (در لغت به معنای شناخت بیماری، نابهنجاری، آمده است(۱) و در مورد بحث ما، مفهومی است که ناظر به شناخت آسیبها، کژیها و انحرافات است که بر ساحت دین و دینداری وارد شده و یا وارد خواهد شد. شکی نیست که آسیب‌شناسی هر موضوعی مقدمه ای است که به منظور تحصیل سلامت آن موضوع که هدف و ذی‌المقدمه است پیگیری می‌شود. بنابراین آسیب‌شناسی دینی در واقع شناخت آسیب‌هایی است که از بیرون بر دین وارد می‌شود و الا نفس دین به جهت برخورداری از منشا الهی، از آسیب و نقص منزه است و قدسی بودن دین هم، چیزی جز منزه بودن دین از نقص و آسیب و کژی نیست و البته مناط کمال و سلامت آن نیز همین امر است. پس آسیب‌شناسی دین در واقع شناخت بی‌نظمی‌هایی در ارگانیسم دین است که نه از ناحیه دین، بر دین عارض شده است.

ب: آسیب دینی گاهی از ناحیه اضافه کردن امر غیردینی به دین، محقق می‌گردد و گاهی هم از ناحیه حذف امری که جزء دین است، چنانکه روایت شریفه از امام صادق(ع) است که فرمود: "همانا زمین در هیچ حالی از امام خالی نگردد و برای آنکه مومنین چیزی (در اصول یا فروع دین) افزودند، آنها را بر گرداند و اگر چیزی کم کردند، برای آنها تکمیل کند."(۲)
قرآن به عنوان کاملترین کتاب آسمانی منزل به آخرین پیغمبر الهی حضرت محمد(ص) و به مقتضای "تبیانا لکل شی" بودن و فراگیری آن نسبت به تمامی شئون فردی و اجتماعی بشر، در باب توجه دادن مسلمین و بلکه قاطبه بشریت، نسبت به آسیبها و چالشهای فراروی آنها در عرصه‌های مختلف زندگی، حق بیان را ادا کرده است و از آنجا که دین به عنوان ناب‌ترین وسیله برای هدایت انسان و رسیدن او به سعادت ابدی نیز می‌تواند مورد آسیب قرار گیرد، بیان این آسیبها در راستای حفظ دین و در نتیجه حفظ مسیر سعادت انسان، از سوی قرآن، ضروری‌تر می‌نماید و از همین روست که در این کتاب عزیز این آسیبها مورد هشدار قرار داده شده است که به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

۱- تحریف آموزه‌های دینی:

یکی از آسیبهای جدی در این خصوص تحریف مبانی و آموزه‌های دینی است که این امر به شدت در قرآن مورد مذمت و تذکر قرار گرفته است، قرآن یهودیان را از آن رو که در تحریف دین ید طولایی داشتند به شدت نکوهش می‌نماید آنجا که "روی سخن خود را به سوی مسلمانان متوجه ساخته و انتظار نایجایی را که مسلمانان از یهودیان مدینه و اطراف آن داشتند، بی‌مورد تلقی کرده است."(۳) به این بیان که: "افتطمعون ان یومنواکم و قد کان فریق منهم یسمعون کلم الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون:(۴) آیا انتظار دارید به شما (دستورات آیین شما) ایمان بیاورند با اینکه عده‌ای از آنها سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن آن را تحریف می‌کردند در حالی که علم و اطلاع داشتند." صاحب مجمع البیان از ابن عباس نقل می‌کند که این آیه در باره هفتاد نفری است که حضرت موسی آنها را با خود به کوه طور برد و اینان با اینکه سخن خدا را شنیدند اما وقتی به قوم خویش برگشتند برخی از آنها آنچه را شنیده بودند (از سخنان خدا) تحریف کردند.(۵)

و در آیه‌ای دیگر باز در مذمت آنها آمده است که: "فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه یحرفون الکلم عن مواضعه

۱۰۴۲

...؛ (٦) ولی به خاطر پیمان شکنی آنها را از رحمت خود دور ساختیم و دل‌های آنها را سخت و سنگین نمودیم، سخنان خدا را از موردش تحریف می‌کنند و البته آیه ٤٦ سوره نساء نیز آنها را به سبب تحریفاتی که در کلام خدا انجام می‌دهند سرزنش می‌کند. نکته قابل توجه در این میان آن است که اولاً تحریف کلام خدا و آموزه‌های دینی فی‌ذاته مبغوض خداست و بدان سبب بود که یهود مبغوض خدا قرار گرفت. بنابراین تحریف از سوی هرکسی مذموم و مبغوض خداوند است و فرقی بین یهود و نصاری و جوامع اسلامی نیست. متأسفانه کم نیستند تحریفاتی که از سوی متدینین جاهل و یا مغرضین غیر مومن در تاریخ اسلام به وقوع پیوسته است و زایش حوادث تلخی را در پی داشته است، از شکل‌گیری قضایای پس از رحلت پیغمبر (ص) گرفته تا فضیه کربلا و به مسلخ رفتن فرزند رسول خدا (ص) و بر همین منوال سایر حوادث را می‌توان به تفسیر نشست.

جوامع اسلامی باید بدانند که مستفاد از آیات شریفه یاد شده آن است که تحریف مبانی دینی به عنوان بارزترین مصداق آسیب‌های دینی، علاوه بر جسارت به ساحت خداوندی باعث گمراهی مردم نیز می‌شود و این خود گناه نابخشودنی است. نباید از نظر دور داشت که نظام اسلامی ما نیز در معرض تحریف و تأثیرات نامبارک آن قرار دارد. شکی نیست که تحریف در اصول، اهداف و ارزشهای نظام، تحریف در بیان کارکردهای حکومت دینی و نوع اطلاع‌رسانی به مردم و اموری از این قبیل از سویی دیگر عدم مقابله با چنین تحریفاتی، می‌تواند تأثیرات نامطلوبی را بر روند رو به رشد جامعه دینی ما داشته باشد و همین امر هم ضرورت توجه به این مهم یعنی مقابله با تحریف، تحریف‌گرایان را آشکار می‌سازد.

یکی دیگر از آسیب‌های دینی که پرهیز از آن مورد تأکید قرار گرفته است، غلو و زیاده‌روی در دین است، غلو در دین، از آنجا که ادخال مالیس من الدین فی الدین (داخل کردن اموری که از دین نیستند در ساحت مقدس دین) است، امری است که مبغوض خداوند که ممنوعیت عقلی و شرعی آن نیز روشن است. تاریخ بلند اسلامی، وجود فرقه‌ها و مسلک‌های انحرافی را که با نگاه‌های افراطی و غلوآمیز، ضربه‌های اساسی به دین و دیانت زده‌اند، در خود ثبت کرده است. قرآن کریم اهل کتاب را چون در دین خدا غلو کردند مورد سرزنش قرار می‌دهد، آنجا که می‌فرماید: "یا اهل الکتاب لاتغلو فی دینکم ولا تقولوا علی الله الا الحق انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و کلمته القتها الی مریم و روح منه فامنوا بالله و رسله و لا تقولوا ثلثه انتهوا خیرا لکم انما الله اله و حد سبحه ان یکون له و لد له ما فی السموات و ما فی الارض و کفی بالله وکیلا (٧) ای اهل کتاب در دین خود غلو و زیاده‌روی نکنید و درباره خدا غیر از حق نگویید مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خداست و کلمه (و مخلوق) اوست که او را به مریم القا نمود و روحی (شایسته) از طرف او بود بنابراین به خدا و پیامبران او ایمان بیاورید و نگویید (خداوند) سه‌گانه است از این سخن خودداری کنید که برای شما بهتر است. خدا تنها معبود یگانه است. او منزّه هست که فرزندی داشته باشد بلکه از آن اوست آنچه در آسمانها و در زمین است و برای تدبیر و سرپرستی آنها خداوند کافی است. (٨)

و دلیل بر آنکه غلو و افراطی‌گری، سوای آنکه خودش فی نفسه امری انحرافی است، موجب گمراهی و ضلالت دیگران نیز می‌گردد (چنانکه گفته شد) آیه شریفه قرآن است که: "قل یا اهل الکتاب لاتغلو فی دینکم غیر الحق و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل و اضلوا کثیرا و ضلوا عن سواء السبیل: (٩) ای اهل کتاب در دین خدا غلو و زیاده‌روی نکنید و غیر از حق نگویید و از هوسهای جمعیتی که بیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید." (١٠)

به حکم قرآن عزیز، بر همه اهل فن است که با شناسایی موارد غلو و پرورندگان این تفکر، به جلوگیری از آن پرداخته و به حکم وظیفه دینی در قبال چنین تحکراتی ایستادگی نمایند چه بسا نوشته‌ها، سخنها، اشعار و یا مداحی‌ها به عنوان شعائر دین انجام شود اما از آنجا که مشتمل بر موارد غلوآمیز است در تقابل با دین و تحریف شعائر دین باشد چنانکه متأسفانه چنین رویه نامبارکی در برخی اشعار و مداحی‌های مربوط به حضرات اهل بیت (ع) جامعه امروز ما را در بر گرفته است.

۲- بی‌توجهی به مسئله امر به معروف و نهی از منکر:

شکی نیست که عمل نکردن به هریک از احکام اسلامی، می‌تواند به نوعی یک آسیب جدی به شمار آید اما برخی از احکام دینی هستند که ترک آنها، نه تنها ضربه‌ای سنگین به ساحت مقدس دین وارد می‌کند که جامعه دینی را از حیث هنجار شکنی‌ها، یله و رها می‌سازد که نتیجه آن چیزی غیر از اضمحلال جامعه و فرهنگ دینی و قرآنی نخواهد بود. یکی از آن احکام اجتماعی اسلام، امر به

معروف و نهی از منکر است در جای جای قرآن توجه به امر به معروف و نهی از منکر مورد تاکید قرار داده شده است. آنجا که می‌فرماید: "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ" (۱۱) و یا در آیه شریفه "يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اِقِمُوا الصَّلٰوةَ وَامْرُؤًا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ" (۱۲) که حضرت لقمان به فرزندش امر به اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و در قبال آن ترک امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک آسیب جدی و مرض عمیق برای جامعه اسلامی، موجب گمراهی و ضلالت می‌داند آنجا که می‌فرماید: "كٰنُوْا لِاَيْتٰهٰوْنِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَعَلُوْهُ لَبِئْسَ مَا كٰنُوْا يَفْعَلُوْنَ" (۱۳) (کافران بنی اسرائیل) از اعمال زشتی که انجام می‌دادند همدیگر را نهی نمی‌کردند چه بدکاری انجام می‌دادند."

شکی نیست که امر به فحشا و منکر، مطلوب شیطان است چنانکه قرآن می‌فرماید: "وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ فَاِنَّهُ بِالْاَفْحٰشٰى وَالْمُنْكَرِ" (۱۴) هرکس پیرو گامهای شیطان شود (گمراهش می‌سازد) زیرا او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد. "بنابراین ترک نهی از منکر زمینه استیلاء شیطان بر مسلمین است و تارک نهی از منکر و نیز امر به معروف لااقل زمینه‌ساز فحشا و منکر و تقویت تفکر ابلیسی در جامعه است.

ترک امر به معروف و نهی از منکر بدان جهت از آسیبهای دینی به شمار می‌آید که جزئی حیاتی از آموزه‌های دینی که از تاکید دینی نیز برخوردار است از پیکره دین جدا می‌شود و این خود از بزرگترین آسیبهای دینی است که قرآن به آن اشارات فراوانی دارد. سواى آنکه مسئله امر به معروف و نهی از منکر از آنجا که در احیاء و تثبیت سایر آموزه‌های دینی نقش کلیدی دارد ترک آن نیز سواى اینکه خود یک آسیب است سایر معارف دینی را نیز آسیب‌پذیر می‌کند. سوال اساسی در رویه اجتماعی مسلمین است آن است که چرا امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ما کم‌رنگ است و به قول استاد مطهری (رحمه‌الله) کارنامه ما در امر به معروف و نهی از منکر چرا اینقدر پست و پایین است؟ (۱۵)

آیا زمان آن نرسیده است که از عظما و کبرا گرفته تا آن کاسب متدین نسبت به این آسیب جدی چاره‌ای اندیشیده و فکری کنند و دیگر آنکه چرا تاکید رهبر معظم انقلاب در خصوص همگانی کردن امر به معروف و نهی از منکر از سوی مخاطبین حقوقی و حقیقی فقط در حد یک شعار باقی ماند؟

۳- کتمان و الباس دین:

هرگاه دین و آموزه‌های نورانی آن پوشیده و یا کتمان گردد طریق هدایت و وصول به سعادت برای بندگان خدا مشتبه می‌گردد و چنین پیامدی نه تنها مرضی حضرت حق نیست که مبعوض اوست و قرآن به آسیب و نیز مبعوضیت خداوند نسبت به آن، اشارتی نیکو دارد آنجا که می‌فرماید: "وَكٰذَلِكْ زِيْنٌ لِّكٰثِيْرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ قَتَلَ اَوْلٰدَهُمْ شُرَكَآءُهُمْ لِيَرٰدُوْهُمْ لِيَلْبَسُوْا عَلَيْهِمْ دِيْنَهُمْ... (۱۶) شرکای آنها (بتها) قتل فرزندانشان را در نظرشان جلوه دادند و سرانجام آنها را به هلاکت افکندند و آیینشان را بر آنها مشتبه کردند..."

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل کلمه "للبسوا عليهم دينهم" می‌نویسد: "و لبس به معنای خلط کردن و مراد در اینجا این است که دین آنان را که دین باطلی بود به صورت دین حق در نظرشان در آورده‌اند." (۱۷) بنابراین چون آیینشان را بر آنها مشتبه کرده بودند و آن را حق جلوه دادند، قتل اولاد در نظرشان جلوه پیدا کرد. مستفاد از آیه شریفه آن است که نفس الباس دین (چه دین حق و چه دین باطل) منهی و مبعوض است. بنابراین بر متولیان دینی لازم است تا تمامی مساعی خویش در اعتلای دین به کار گرفته و حقیقت آن را به مردم بشناسانند تا مشمول آیه شریفه که می‌فرماید: "و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق و انتم تعلمون" (۱۸) و حق را با باطل نیامیزید و حقیقت را با اینکه می‌دانید کتمان نکنید. نگردند. پیام آیه شریفه است که الباس دین حق و مشتبه کردن آن، یکی از آسیبهای جدی در عرصه دین است که غفلت از آن سزاوار نیست.

۴- خودباختگی دینی در رویارویی با فرهنگ اجانب:

شکی نیست که مفهوم خودباختگی محصول رویارویی انسان با امری است که در نظر او بزرگ جلوه کند و نتیجه آن هم سست شدن عقیده و یا عدول از آن و حتی روی آوردی به عقیده مخالف است.

خود باختگی اقسامی دارد که مهمترین آن خودباختگی دینی در مقابل فرهنگهای اجانب است چنین آسیبی در ظرف فکری جوامع اسلامی معاصر، نمود فراوان دارد. البته در کالبد شکافی این آسیب اول باید سراغ اندیشمندان و خواص جامعه که رهبری فکری

جامعه را بردوش دارند، رفت زیرا عوام تابع خواصند و اگر اندیشمندان جامعه در اثر عدم درک حقیقت دین و فرهنگ دینی و خصوصا کمال دین و فرهنگ اسلامی نسبت به سایر ادیان و فرهنگها، با رویکردی خودفروشانه، دین و هنجارهای دینی را با بهایی اندک و یا بدون بها بفروشند، چنین خود باختگی در عوام سهل تر خواهد بود. بنابراین یکی از مصادیق بارز خودباختگی دینی، دین فروشی و تسلیم در مقابل فرهنگ اجانب است و قرآن از این آسیب جدی با تعبیر مختلفی یاد کرده است.

آنجا که می فرماید: "ولا تشتروا بایتی ثمنا قليلا و ابي قاتقون؛ (۱۹) آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید و تنها از من (و مخالفت دستورهایم) بترسید." و یا "اشترؤا بایت الله ثمنا قليلا فصدوا عن سبيله انهم ساء ما كانوا يعلمون؛ (۲۰) آنها آیات خدا را به بهای کمی فروختند و مردم را از راه او بازداشتند آنها اعمال بدی انجام می دادند" و یا "اولئك الذين اشترؤا الضلله بالهدى فما ربحت تجارتهم و ما كانوا مهتدين؛ (۲۱) آنان کسانی هستند که هدایت را به گمراهی فروخته اند و (این) تجارت آنها سودی نداده و هدایت نیافته اند." بدیهی است فروش دین به دنیا و هدایت به ضلالت ناشی از نوعی خودباختگی عقیدتی است که آن هم ناشی از عدم درک حقیقت دین و آموزه های دینی است چنانکه گذشت.

برخی از مدعیان روشنفکری با شیفتگی خاصی نسبت به فرهنگ و جهان بینی غربی تا آنجا پیش رفته اند که حتی روشن ترین آیات و احکام دین را که در تغایر با فرهنگ بیگانه هست، به سود آن فرهنگها تفسیر و یا تاویل می کنند و در واقع برآند تا جهان بینی دینی را با جهان بینی غربی و لا ادری گری منطبق سازند و این خود آسیبی بزرگ در حوزه معرفت دینی به شمار می آید.

استاد مطهری می نویسد: "بعضی ها به آیات قرآن که می رسند آنقدر آنها را تاویل و توجیه می کنند تا اینکه به هر ترتیبی که شده آن را با یکی از مکاتب غربی، شرقی منطبق کنند ... خدمت اینها به استعمار از خدمت آنها که عامل استعمار سیاسی یا عامل استعمار اقتصادی هستند، به مراتب بیشتر است و به همین نسبت خیانتشان به ملت بیشتر و عظیم تر، از این رو و با توجه به این خطرات برای حفظ انقلاب اسلامی در آینده، از جمله اساسی ترین مسائلی که می باید مد نظر داشته باشیم، حفظ استقلال مکتبی و ایدئولوژیک خودمان است." (۲۲)

البته آسیبهای دینی از منظر قرآن بیش از آنچه که ذکر شد می باشد که به همین حد اکتفا می شود.
پی نوشتها:

- ۱- ر.ک: فرهنگ پیشرو آریان پور، منوچهر آریان پور، ص ۱۰۴۷
- ۲- اصول کافی، کلینی، مترجم: سیدجواد مصطفوی، چاپ دوم، ۱۳۷۷، انتشارات گلگشت، ج ۱، ص ۲۵۱
- ۳- تفسیر نمونه، زیر نظر مکارم شیرازی، ناصر، چاپ هفتم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱، ص ۲۱۸
- ۴- بقره / ۷۵
- ۵- ر.ک: مجمع البیان، طبرسی، چاپ اول، ۱۳۶۵ش، انتشارات ناصر خسرو، ج ۱، ص ۲۸۵
- ۶- مائده / ۱۳
- ۷- نساء / ۱۷۱
- ۸- همان، ترجمه مکارم شیرازی، چاپ اول، مدرسه امام علی بن ابیطالب، قم ۱۳۷۸، ص ۱۰۵
- ۹- مائده / ۷۷
- ۱۰- ترجمه. همان
- ۱۱- آل عمران / ۱۰۴
- ۱۲- لقمان / ۱۶
- ۱۳- مائده / ۷۹
- ۱۴- نور / ۲۱
- ۱۵- ر.ک: حماسه حسینی، مرتضی مطهری، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۱
- ۱۶- انعام / ۱۳۷

۱۷- المیزان، طباطبایی، محمدحسین، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۷، ص ۴۹۷

۱۸- بقره / ۴۲

۱۹- بقره / ۴۱

۲۰- توبه / ۹

۲۱- بقره / ۱۶

۲۲- ر.ک: انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، ص ۱۶۵-۱۶۳، به نقل از آسیب‌شناسی دینی از منظر استاد شهید مرتضی مطهری، به

اهتمام سیدمهدی جهرمی، محمد باقری، ص ۱۰۶-۱۰۴